

تعريض

سرود سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴

آرمان میرزائزاد

انتشارات نصیرا

۱۳۹۷

سرشناسه	:	میرزاانژاد، آرمان - ۱۳۶۸
عنوان و نام پدیدآور	:	تعریض، آرمان میرزاانژاد
مشخصات نشر	:	نصیرا، ۱۳۹۶
مشخصات ظاهری	:	۱۳۲ ص
شابک	:	۳ - ۸۰ - ۷۶۳۵ - ۶۰۰ - ۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	:	فیبا
موضوع	:	شعر فارسی - قرن ۱۴
رده بندی کنگره	:	PIR ۸۳۶۱/۴ ی ت ۱۳۹۶ ۷
رده بندی دیویی	:	۸ فا ۱/۶۲
ر. حاره کتابشناسی ملی	:	۵۰۶۳۶۲۲



تعریض

ده سال های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴

رما، میرزاانژاد

صفه: را: لیلا حکم آبادی

طراح جلد: مجتبی درویشی کهن

چاپ اول: بهار ۹۰

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۲۰۰۰ تومان

انتشارات نصیرا: تهران، خیابان انقلاب، روبرو دادا، تهران

پاساژ فروزنده، طبقه اول، واحد ۴۰۶

تلفن: ۰۹۱۹۹۶۰۲۴۶۴

@nasira91publication

مقدمه

در واپسین بارزوری زبان‌های تفکر در زبان مجازی، شکل، محتوا و روایت این اشعار، بایستی بخشی اساسی را پیش بکشم و پیش از مواجه مخاطب احتمالی یا مذهب سختگیر این اشعار خود را با چالشی بی‌رحمانه، راجع به ماهیت و دستاوردهای این شعرها مواجه بسازم: چرا این شعرها به طور عمده روایت برداشته‌ها و سیاهی‌های زندگی من و دیگران هستند؟

ما در قرنی پر حادثه، اضطراب‌زا، مایوس‌کننده، در تکان دهنده‌ای زندگی می‌کنیم. قرنی که قدرت به مثابه امری ته‌ررفی و نظارتی در لایه لایه‌های زندگی انسان معاصر، تیرگی‌های حیات اجتماعی انسان را شدت بخشیده، و طوفان‌های آزارنده و انهدام آمیزی را بر سر و کنار زمین برای ساکنینش برپا کرده است... و این طوفان دهنده‌کنناک زیر و رو کننده، ارزش‌های کهن را بیش از پیش درو می‌کند؛ ارزش‌های نوینی را پی می‌ریزد و آن‌ها را نیز متزلزل می‌سازد: روند نیست‌گرایی! آن‌چنان که نیچه آن فیلسوف شاعر ژرف نگر آلمانی، از مفهوم نیهیلیسم به عنوان تهدیدی خطرناک اشاره کرده بود،

دست آویزی برای رهایی از آن نمی‌یابیم، نیست‌گرایی حتی ارزش‌های متعالی پنداشته شده‌ی جهان امروز انسان را نیز بی‌تخفیف تهدید می‌کند؛ تهدید و تحدیدی پایاپای با لذت‌های به بن‌بست رسیده و خوشی‌های زودگذر و عارضی که ناگزیر از درک کلیت و اجزای آن هستیم. به راستی در برابر این طوفان چه می‌توان کرد؟ آیا پناهگاهی ایمن وجود دارد؟ یا موضع انفعالی فرد می‌تواند یارای بشاشت به تمام عیار زندگی او باشد؟ هستی‌شعر و حقیقتی که در آن مستتر است، آن پارچه‌ی پاره‌ای به نیست‌گرایی است؛ یا شعر خود طی فرایندی مرده‌ای از هر توی وابستگی به آرمان‌ها و ارزش‌ها، در غایت به نیست‌گرایی می‌انجامد؛

من عامدانه نخواسته‌ام کسی در زبان شعر خود از دریافت این نکات و دقایق تاریخی و اجتماعی، چشم پوشی کرده و جهت افکار و خیالات خود را صرف مدگرایی، طبع بازاری و رمانتیسیم سرخوشانه و مطبوع اهل تفنن کرده باشم. در بعضی از اشعار این کتاب که حتی مضامین عاشقانه، سبکی رمانتیک و نتیجه‌ی ادبی ایدالیستی پیدا کرده‌اند، نوعی شوخی طبعی بدخواهانه به ضد آرمان‌گرایی و مطلق‌اندیشی دریافت می‌شود و گریزهایی واقعیت‌دریافتی در متن این اشعار وجود دارد که نسبت فاصله‌انداز خیال و فانتزی را با حضور واقعیت‌ها و تجربه‌های واقعی سراینده کم می‌سازد. در عالم تخیلات عاشقانه هم واقعیت و مصداق عشق، بت‌های مطلوبی که انسان در عشق و معشوق و معاشقه ساخته است می‌شکند. من لحظات

فروپاشی این بت‌های ذهنی و فانتزی را در زمان سرودن شعر احساس کرده‌ام.

اما آیا آن راوی به ظاهر مسلط بر اجتماع کلمات، آن صدای از فراموشی کلیت اندیش، آن روایت‌گر یکه تاز که صدای با قاطعیتش از مخزن تاریخی شعر فارسی می‌آید، و به ظاهر همه چیزدان به نظر می‌رسد شاعر این مجموعه است؟ و آیا در حوزه نگاه روایت شناسانه فکر خود شاعر پیدایش می‌شود؟ خیرا حقیقت متکثر و پراکنده است و از زبان روایانی متفاوت روایت می‌شود، من تنها به رنجش‌ها و نگرانی‌های خود خیره نشده‌ام، بلکه مصیبت دیگران را با زبان خود در شعر روایت کرده‌ام؛ روایتی که گاه در برابر و گاه در راستای مفاهیمی که اساسا محل نزاع مخاطبان و منتقدان است قرار می‌گیرد در این شعرها اگر از منظر تجربه‌گرایان در تنیشت‌محورانه به آن نگریسته شود تجربه آوارگی، شکست، تظلم‌خواهی، نوعی فلسفیدن شاعرانه در برابر ثابت‌های جبارانه زندگی انسان و مرادها، های ذهنی و محدودیت‌های اجتماعی آن قدم علم می‌کند؛ مسائلی که کاملاً در تجربیات امر روزمره با آن روبه‌رو بوده‌ایم. با این همه صاحب احتمالی این اشعار دورانی را از دریچه‌ی چشم شاعر خواهد دید که انسان آن دوران از تاریخ اجتماعی، فرهنگی و... با روابط و بینش خاصی موضوعاتی که مورد دغدغه‌ی حس و فهم اوست روایت می‌کند و در برابر مجموعه‌ای از کنش‌ها و واکنش‌های انسان منفعل و از

خودبیگانه قرار می‌گیرد. دوره‌ای که ما در آن زندگی می‌کنیم جنگ، موشک‌ها و گلوله‌ها، انفجارها، انسان‌های بی‌گناه را بی‌دلیل عقلانی می‌کشد، آوارگان زلزله، سیل، طوفان روز به روز انبوه‌تر می‌شوند و شعر تنها شاید مرثیه‌ای تامل برانگیز باشد بر گور انسانیت و وجدان برباد رفته بشری...

انسان صدمه دیده، محروم، انسانی که از عامل هیچ قدرت خاص سیاسی و اجتماعی نیست اما از طریق آن صدمه می‌بیند و از سوی دیگر قربانی اعتراض و نقد امور نابهنجار می‌پردازد وضع و موضعی دارد که این اشیاء برآورد آن بحران‌های لرزه براندام اندازست...

چگونه می‌شد در این عوزان نیستی آور «لاک‌پشت رفتار» بوده باشم در صورتی که نسبت به تمامی آن صائبی که بر من و دیگران در این زندگی بی‌تضمین، غافل گیر کنده و اعجاب برانگیز وسخت می‌گذرد بی‌اعتنا بوده و «تعریضی» به مغاک‌های مخوف و بحران‌زا نداشته باشم... آن جوجه‌تیغی گزنده، در سود فراموشته و لغزانی که در این دوره از زندگی خشن و بی‌مهر می‌بایست به زنده دقت روی می‌آوردم چندان دور از ماهیت آنچه شدم، نبود... به معنای این روایت استعاره‌ای، تلاشی اگر هنوز گفتمان نوگرایی را به یاد من جدی و ضروری در زندگی و شعر می‌سازد همان باور به اندیشه‌ی انتقادی، پویا و درون‌ماندگار است؛ چیزی که محیط ما به نظر سخت محتاج آن است: طور دیگری نگریستن و بیان کردن، و به واقعیت تبدیل کردن و مغایر با حق و عدالت نبودن.

اساساً ایده‌های گفتمان نوگرا به دلایل عدیده‌ای، به حاشیه رانده شده و از دوره‌ی نیما تا کنون تغییرات خاص خود را توسط شاعران نوجو در زبان شعر، روایت، شکل و سایر ابزارهای شعری اعمال کرده است، و تعویض از این مسیر ناهموار و پرهیاهو می‌آید...

این زبان دل افسردگان است
نه زبان پی‌نام‌خیزان
گوهر در داغ، مجرد کس‌اش هیچ
ما که در آبر جهانیم سوزان
حرف خود را به لب‌ها، دنبال...
(منظومه‌ی افسانه - نیمایوشج)